



از زمان ورود آریان ها به فلات ایران زمان دقیقی ثبت نشده است.
در اوستا نام اصلی مملکت آریان ها آیرن واج نامیده شده است به معنی مملکت آریان ها
ولی چون هوا سرد شد و زمین خشک و جمعیت آن ها افزایش پیدا کرد مجبور به مهاجرت شدن
قبل از ورود آن ها به ایران قومیت هایی در ایران حضور داشتند
در مغرب مردمانی به اسم کاسو



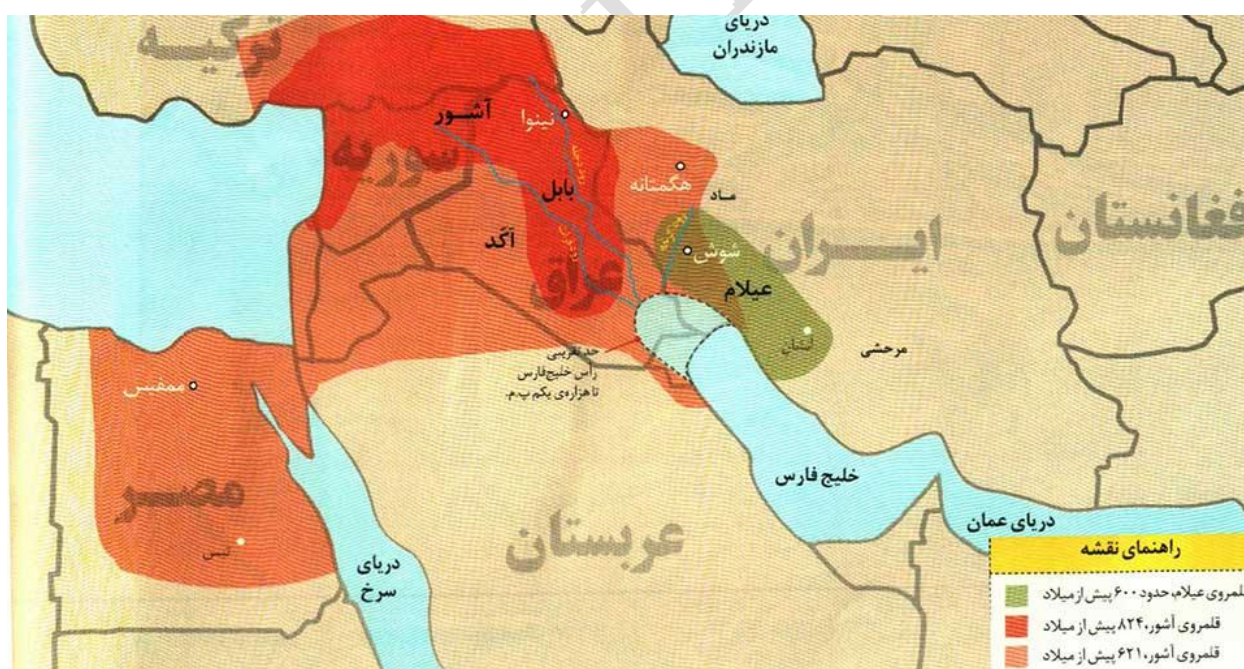


در مازندران کنونی تپوری ها : در واقع اسم طبرستان را از تپورستان گرفته اند.





در جنوب غربی عیلامی ها



درباره قومیت های دیگر عقیده های مختلفی وجود دارد مثلاً حبشه ای ها در سواحل در عمان یا خلیج فارس حضور داشته یا کلا سیاه پوست بودند بعضی هم بر این عقیده اند تمام خاورمیانه و اروپای جنوبی جامعه سیاه پوست بودند و وقتی آریان ها وارد فلات ایران شدند ساکنین گذشته ی اون رو دیو یا تور نامیدند چون خودشان را نژاد برتر می دانستند. و رفتار آن ها با این مردم نادرست بود و برای آن ها حقی قائل نبودند و همیشه در حال جنگ با آن ها بودند و در انتها فقط کارهای پر زحمت را به آن ها می دادند و از این زمان به بعد ترکیبی بین آن ها و بومی ها اتفاق افتاد.

به هر جا که می رسیدند با آنها جنگ می کردند و بعد با آن ها قلعه ای می ساختند و بعد با آن ها صلح می کردند و قلعه را به دو قسمت تقسیم می کردند قسمتی برای زندگی قسمتی برای چهارپایان.

حالا بپردازیم به حکومت های قبل آریان یا آریایی ها تا پنجاه سال پیش اطلاع ما از عیلامی ها خلاصه ای بود که در تورات آمده و اسم پادشاه عیلامی ها را کدرلا عمر گفته تا اینکه تحقیقات علمی توسط نمودلفتوس انگلیسی راجع به شوش آغاز شد.





مملکتی بین خوزستان، لرستان، کوه های بختیاری از طرف مغرب دجله و از قسمت مشرق قسمتی از پارس از سمت شمال راهی که از بابل به همدان می رفت و از سمت جنوب خلیج فارس تا بوشهر.

مردم عیلام مملکت خودشان را آنزان سوسونکا می نامیدند. کلمه عیلام به معنی کوهستانی است و اطلاق آن به قسمتی می شد که کوهستانی بود.

درباره ی بومی های این منطقه بعضی باورند که حبشه ای ها بومی های این منطقه بودند اما قرون زیادی در اطراف شط العرب و راس خلیج فارس برای این موسوم به سومری ها بودند که به این مملکت غلبه کردند بعد از آن مردمی سامی نژاد به این سرزمین وارد شدند. ولی سلطه ی آن ها هم بر عیلامی ها زیاد نبود از مردمان کوهستانی یا همون عیلامی ها به اسم کوسی یا کیسی ها زیاد نام برده شده و حتی یونانی ها هم آنها را اکسیان نامیده بودند.

مردمانی استقلال طلب به مطیع کردن آن ها بسیار سخت بود که حتی اسکندر هم مجبور شد که به آن ها باج بدهد ولی خو به عنوان یک قبیله در اون زمان سکنی داشتند.

قدیمی ترین زبان اون ها هم گفته می شه که انزانی و بعد هم زبان سومری یا سامی در آنجا رواج یافته.

خدای بزرگ آن ها شوشیناک نام داشت و مردم عادی شش الهه ی اصلی را پرستش می کردند و بعد از آن به گروهی از ارواح معتقد بودند.





در شروع عیلامی ها ارتباط مستقیمی با سامری ها داشتند.

سومری ها در راس خلیج فارس و دو طرف شط العرب و آکدی ها در طرف شمال شرق آن ها زندگی می کردند این اطلاعاتی هستش که در دسته به طور دقیق مشخص نیست بعضی هم می گن که این دو مملکت یک مملکت بوده اند





و خدایانی که آن ها پرستش می کردند آئو (آقای آسمان) آآ (صاحب دره عمیق) بل (رب النوع زمین) و در کنار خدایان به عفریت ها و ارواح بد هم معتقد بودند.



سومری ها افرادی رو که در شهر ها را مدیریت می کردند پاتسی می نامیدند و پاتسی های که با عیلام جنگ کردند می شه به ان ناتوم اول اشاره کرد. بعد از سومر نوبت به آکدی ها رسید شخصی سامی به اسم مانیشو که در آکد پادسی یا همون شهردار بود. سلسله ی کیشی را تاسیس کرد و پادشاه عیلام را به اسارت گرفت از آن به بعد آکد ترقی کرد و پادشاهی در آکد به این مملکت را توسعه داد و با عیلامی ها جنگید اما معلوم نیست سارگن توانست عیلام در دست بگیرد یا خیر.



در 250 قبل از میلاد سومر دوباره قدرتمند شد یکی از پادشاهان به اسم دونگی از سامی ها روش به دست آوردن نیروکمان را یاد گرفت و بخاطر همین توانست لولوبی و عیلام را تسخیر کند.

رفتار سومری ها در عیلام باعث شورش های پشت سر هم شد و توانستند سومری ها را از عیلام خارج کنند.

سال 2280 قبل از میلاد پادشاه عیلام به اسم کودورنان خوندی توانست سومر را فتح کند و شصت سال سومر جز عیلام بود و در این بین چند باری توانستند به حکومتی برسند سامری ها

اما در انتها در سال 2115 سال قبل از میلاد مسیح ملت سومر و اکدی ها به دست عیلامی ها در میان سایر ملل حل شده و قومیت خودشان را از دست دادند.

می گویند آنقدر عیلامی ها با حکومت های مقلوبه وحشیانه رفتار می کردند که مردم مجبور به ترک سرزمین خود و ورود به سرزمین های دیگر می شدند



کارهای مهمی که سومری ها انجام دادن می توان به وضع قانون همورابی اختراع خط و چرخ و بنیانگذاری علوم و صناعی شدن وجوامع می توان اشاره کرد. که هر چقدر کاوش ها بیشتر می شود این مسئله که یونانیان علم طب و نیز صنایع را از سومری ها الگو گرفته اند.



از آنجا که بعد عیلام همسایه ای قدرتمند و بزرگ به اسم بابل داشت که به دست مردمان سامی نژاد تاسیسی شد. گفته می شود مردمان سبه جزیره ی عربستان سامی نژاد بودند به سمت مکان های حاصلخیز حرکت کردند و در کنار رودخانه های بزرگ و یا دریاها را برای زندگی انتخاب کردند.

سلسله اول این حکومت پادشاهی عیلام را شکست داد که در آن دوره این پادشاه کودورمابوک نام داشت و پادشاه بابل هم اسمش سمسوایلونا پسر حمورابی بود در سلسله ی دوم هیت ها بر بابل تسلط یافته اما خیلی زود سلسله ی سوم یعنی کاسی ها بر هیت ها قدرت پیدا کردند

